

_مثلا توهم میزنی که جنی چیزی بیاد برات؟

حرصی نگاهش کردم : من همینطوری میترسم میشه تو دیگه پیاز داغشو زیاد نکنی؟؟

تک خنده ایی کرد: اووه چه خشن باشه بابا ببخشید ، اگه میخوای من امشب پشت
بخوابم هوم؟؟؟

دلم میخواست پیشم بخوابه اما خب نمیشد واقعا بد میشد برام
بازم مادرش کلی تهمت میزد ،از طرفیم میترسیدم باهاش تنها باشم

برای همین با کنایه گفتم : تو به این چیزا فکر نکن چون خانوادت میفهمن و گردن منو
میگیرن

ابرویی بالا انداخت:خانوادم؟؟

_منظورم مادرته

تک خنده ایی کرد :بیخیال اون

_چرا بیخیالش؟؟

_عادتشه کلا به همه شک داره و با همه سر ناسازگاری

_جدی؟؟

سرشو تکنون داد:اره ، حالا اگه میخوای پشت بخوابم هوم؟؟

به ناچار سرمو تکنون داد : باشه!

لبخند جذابی زد که دلم براش رفت ، دلم میخواست بغلش بخوابم

رفتم تو اتاق و به هر بدبختی که بود به خواب رفتم

با سر و صدایی که میومد چشم باز کردم از اتاق رفتم بیرون

با دیدن میز آماده صبحونه چشمم برق زد باورم نمیشد که همه چی برام آماده کرده باشه

ذوق کردم ، جمال پشتش به من بود با دیدن سرشو بلند کرد

_عه بیدار شدی صبح بخیر

لبخندی زدم : صبح توام بخیر

پشت میز نشستیم چشمکی بهم زد : خوش است اومد؟؟

نگاهی به میز انداختم ، همه چی بود نون و پنیر و کره و مربا الوبالو و هویج و عسل و ابمیوه و...

_عالیه ولی خیلی زیاد آماده نکردی؟؟

نوچی کرد : نه بابا اتفاقا عاليه بخور خوشت مياد

لبخندی زدم و چیزی نگفتم با شوخی و خنده های جمال صبحونه مونو خوردیم
بعد تموم شدن صبحونه خواستیم سفره رو جمع کنیم که صدای پیامک گوشیش
شنیده شد

پیامک رو باز کرد نمیدونم چرا اخماشو کشید توهم

_چی شده؟؟

هول زده نگاهی به من انداخت:هی...چی قراره چی بشه؟؟
و بعد بلند شد : من باید برم به چیزی نیاز داشتی بهم زنگ بزن

سرمو تکون دادم:اوکی

بعد خداحافظی از خونه رفا بیرون...گیج رفتار مشکوکش شدم یعنی چی شده؟؟

(جمال)

با دریافت پیامک " گندم الان کنارتَه " فقط تونستم از خونه بزنم بیرون نمیدونم این
ناشناس کی بود هرچی که بود بدجور بازی ش گرفته بود

تو ماشین نشستیم و شماره شو گرفتیم. بعد دوتا بوق قطع کرد فوری دوباره گرفتمش
که

گوشیش خاموش بود محکم دستمو به فرمون کوبیدم و دندون قروچه ایی
کردم...امیدوارم هر کس که این بازی کثیف رو شروع کرده خیره نبینه

فقط دعا کنه پیداش کنم که بد میبینه! یهو فکری به سرم زد و تو تند ماشینو روشن
کردم سمت مخابرات

اونجا یه دوستی داشتم میتونست کمک کنه که این ناشناس مرموز رو پیدا کنم

اره باید میفهمیدم که کیه! اصلا نکنه خوده گندم باشه؟؟؟